

بررسی آثار سوء دروغ و شایعه‌پراکنی در افتراق مسلمین

لیلا نعمتی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء(س) زنجان، زنجان، ایران

چکیده

در این پژوهش با عنایت الهی سعی شده است به آثار سوئی که دروغ و شایعه‌پراکنی در افتراق مسلمانان دارد بپردازد برای این کار ابتدا لازم است با خود این خصلت‌ها آشنا شویم و جایگاه این خصلت‌ها را در آیات و روایات بررسی کنیم، اهمیتی که وحدت مسلمانان دارد ما را بر آن می‌دارد که با کسب آگاهی از جایگاه این خصیصه‌ها آن‌ها را از خود دور نماییم. چنان‌که استاد مطهری می‌نویسد: انسان مکلف است که کسب آگاهی کند و سپس بر طبق آگاهی خویش عمل و فعالیت کند. باشد که رضایت باری تعالی را فراهم آوریم و جامعه را به سوی سعادت و رستگاری رهنمون باشیم چراکه انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشت او میان جمع رقم می‌خورد و در قبال دیگران نیز مسئول است و خداوند از انسان‌ها خواسته است وحدت را حفظ کنند چنان‌که می‌فرماید: "همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت (برادری و اتحاد) را که خداوند به شما داده، یاد کنید." (آل عمران/۱۰۳)

واژه‌های کلیدی: دروغ، شایعه، افتراق مسلمین

۱- مقدمه

پژوهش پیش رو به مضرات و تخریب‌های دروغ و شایعه‌پراکنی در میان مسلمانان می‌پردازد که در آن ابتدا به خود این صفت‌ها و تعاریف می‌پردازیم و جایگاه آن‌ها را در آیات و روایات بررسی کرده و نقش آن‌ها را در ایجاد تفرقه بیان می‌کنیم. در همه شرایط مخصوصاً در شرایط کنونی که دشمن دنبال بهانه‌ای برای دستیابی به مسلمانان است شایعه‌پراکنی منفور و پست است، امام خامنه‌ای می‌فرماید: اگر در شناخت دشمن اشتباه کردیم و در جهتی که اسلام و مسلمین از آن خسارت می‌بینند و به آن حمله می‌شود دچار اشتباه شدیم خسارتی پیش خواهد آمد که جبران‌ناپذیر است؛ فرصت‌های بزرگ از دست می‌رود. (بیانات رهبر، ۱۳۸۷) گاهی اوقات ما ندانسته در راهی قدم برمی‌داریم که به ضرر مسلمین تمام می‌شود توجه به این نکته لازم است که دشمن حتماً در بیرون مرزهای ما نیست بلکه هرکس به هر طریقی باعث ایجاد اختلاف و فتنه شود دشمن است چه بسا خطرناک‌تر از دشمنان دیگر باشد. مسلمانان باید در پوشش عیب یکدیگر بکوشند و آن‌ها را حتی با اندرزهای پنهانی اصلاح کنند و دست دشمنان را از خود کوتاه کنند.

در آیه ۸۳ سوره نساء آمده است: اگر (منافقین) خیری (شاخه‌ای) درباره امنیت (و پیروزی مسلمانان) و یا بیم و هراس به گوش آن‌ها برسد (بدون اینکه راست یا دروغ بودن آن را تحقیق کنند) آن را فاش می‌کنند و جامعه را متزلزل و افکار عمومی را نگران و ایجاد تفرقه و اضطراب در جامعه می‌کنند. (محمودیان، ۱۳۸۶)

دروغ و شایعه‌پراکنی از ردایل اخلاقی است که باعث تفرقه و دشمنی بین افراد می‌شود و حیثیت و آبروی افراد را مورد هجوم قرار می‌دهد طبق ضرب‌المثل‌های رایج داریم که آب ریخته جمع نمی‌شود پس شایسته است قبل از هر کاری درباره عواقب آن فکر کنیم، آبرو از مهم‌ترین سرمایه‌های بشری است که حتی خود فرد حق ندارد آن را خدشه‌دار کند حتی اگر مسئله‌ای رخ داده باشد باید پرده‌پوشی کرد چه رسد به اینکه از روی حرفی که درستی آن ثابت نشده یا دروغی که ساخته‌ی خود فرد است دیگران را مورد هجوم قرار دهیم.

درباره این صفت‌های مذموم روایات فراوانی وجود دارد که باعث سلب آرامش از عامل آن و افراد جامعه می‌شود و همواره به پرهیز از این خصلت‌ها توصیه شده است.

"سخنی از خیر یا شر بر زبان نیاورد جز آنکه همان‌دم رقیب و عتید بر آن آماده‌اند" (سوره ق/۱۸)

"...از پلیدی‌ها یعنی بت‌ها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس (دروغ) بپرهیزید." (حج/۳۰)

با توجه به این آیه می‌توان پی برد که گفتن سخنان باطل و بی‌اساس در ردیف شرک و بت‌پرستی قرار گرفته است.

"و برخی از مردم، خریدار سخنان بیپوده و سرگرم‌کننده می‌باشند تا بی‌هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره گیرند؛ آنان برایشان عذابی خوارکننده است" (سوره لقمان/۶) این آیه به یکی از مهم‌ترین عوامل گمراه‌کننده که سخن باطل است اشاره نموده است. (قرآنی، ۱۳۸۲)

زبان یکی از نعمت‌های خداوند است که باید به درستی استفاده شود نباید آن را در محارم الهی بکار ببریم و حق این عضو را که گناهان آن بارزتر است رعایت کنیم و با استفاده درست شکر این نعمت الهی را به جا آوریم. "اگر فاسقی شمارا خبر آورد، بررسی و تحقیق کنید، مبدا گروهی را از روی جهالت آسیب بزنید." (محسنی، ۱۳۸۸)

اگر انسان‌ها در رفتارهای اجتماعی و برخوردهای نوعی، از دیدگاه محاسبه بهره‌مند باشند یعنی بدانند هیچ عملی از آن‌ها سر نمی‌زند، مگر اینکه حسابگری او را به حسابرسی فرا خواهد خواست، ناهنجارهای اجتماعی رخ نخواهد داد. (اسداللهی فرد، ۱۳۸۱)

۲- مفهوم دروغ و شایعه‌پراکنی

شایعه خبر بی‌اساسی است که درستی آن ثابت نشده باشد (دهخدا، ۱۳۶۵). از نظر اغلب جامعه‌شناسان شایعات اطلاعاتی مبالغه‌آمیز نادرست و غیرمنطقی است که از فردی به فرد دیگر به صورت سلسله وار منتقل می‌شود و بیشتر این شایعات را

اشخاص بسیار ساده‌اندیش و سطحی‌نگر عمدتاً در شرایط و موقعیت‌های اجتماعی نامطلوب منتشر می‌کنند. (پورت و لئوپستمن ۱۳۷۴)

اصولاً شایعه، ماهیتی معارض دارد، ممکن است به صورت حملاتی آرام آغاز شود، یا ورزشی چون طوفان سخت داشته باشد. ممکن است مسالمت‌آمیز باشد و در آن جز آرزوهایی برای آینده‌ای خوب چیزی دیگر یافت نمی‌شود و یا ممکن است نابودکننده باشد و مفاهیمی مانند نفرت، کراهت و تخریب را شامل گردد. از جهت دیگر به موج دریا شباهت بیشتری دارد که ناگهان در سطح دریا بالا می‌رود و بار دیگر به قعر دریا فرومی‌افتد تا دوباره وقتی شرایط مساعد گردید، ظهور کند و در هر صورت یک بیماری اجتماعی است که انسان به آن مبتلا می‌شود و نمی‌تواند به سهولت از آن دوری جوید یا خلاص شود. (نصر، ۱۳۸۰) دروغ به معنای سخن نادرست است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷) در کتاب المنجد فی اللغه نیز دروغ به معنای ضد صدق بیان شده است (معلوف، ۱۳۸۰) امام باقر (ع) می‌فرماید: از حضرت علی (ع) سؤال شد، میان حق و باطل چند است؟ چهار انگشت و دستش را بر گوش و چشمش نهاد و فرمود: هرچه را چشمانت دیدند حق است و آنچه را گوش‌هایت شنیدند، بیشترش باطل است. (مجلسی، ۱۳۸۸)

۳- دروغ و شایعه‌پراکنی در قرآن

آیات بسیاری در این زمینه در قرآن وجود دارد که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:
 *أَمَّا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ. تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند (آری) دروغ‌گویان واقعی آن‌ها هستند! (نحل/۱۰۵)

* إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ. ... خداوند آن کس را که دروغ‌گو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند. (زمر/۳)
 * إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. ... خداوند کسی را که اسراف‌کار و بسیار دروغ‌گوست هدایت نمی‌کند. (غافر/۲۸)
 * فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ. این عمل، (روح) نفاق را تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل‌هایشان برقرار ساخت این به خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و به خاطر آن است که دروغ می‌گفتند. (توبه/۷۷)

* وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ. و به خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند عذاب دردناکی در انتظار آن‌هاست. (بقره/۱۰)
 * قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ. بگو آن‌ها که به خدا دروغ می‌بندند (هرگز) رستگار نمی‌شوند. (یونس/۶۹)
 * فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ. ... از پلیدی‌ها یعنی بت‌ها اجتناب کنید و از سخن باطل و بی‌اساس (دروغ) بپرهیزید. (سوره حج/۳۰)

*فَتَصَبَّحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! (سوره حجرات/۶)
 *وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند. (سوره اسراء/۳۶)

*إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْأَسِنَّةِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. به خاطر بیاورید زمانی را که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می‌پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (سوره نور/۵۱)

*وَلَوْأَنَّ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ. چرا هنگامی که آن را شنیدید نگفتید: ما حق نداریم که به این سخن تکلم کنیم؛ خداوندان منزهی تو، این بهتان بزرگی است؟ (سوره نور/۱۶)
 *لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا. اگر منافقان و بیماردلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند. (سوره احزاب/۶۰)

۴- جایگاه دروغ و شایعه‌پراکنی در روایات

امام سجاد (ع) می‌فرماید: هر بامداد زبان آدمیزاد به همه‌ی اعضایش سر می‌زند و می‌گوید: چگونه هستید؟ می‌گویند: خوبیم اگر تو ما را رهاسازی. و گویند: خدابخش را دربار ما در نظرگیر؛ و او را سوگند دهند و گویند: ما به خاطر تو به کیفر و پاداش می‌رسیم. (کلینی رازی، ج ۴، ۱۳۹۰) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: از دروغ دوری‌گزين. زیرا دروغ انسان را روسیاه می‌کند. (سبحانی نسب، ۱۳۸۵) امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: مبادا از غیر کسی که مورداطمینان است خبری نقل کنی که تو خود کذاب خواهی بود، اگرچه از دیگری نقل کنی، زیرا دروغ مایه خواری و ذلت است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: زبانت را نگه‌دار، زیرا که آن صدقه‌ای است که به وسیله آن به خودت صدقه می‌دهی. سپس فرمود: بنده‌ای حقیقت‌ایمان را نمی‌شناسد، مگر اینکه زبانش را نگه‌داری کند. (طبرسی، ۱۳۶۰) همچنین می‌فرماید: سه خصلت است که در هر کس باشد منافق است گرچه نماز بخواند و روزه بگیرد و به گمان خود مسلمان باشد: کسی که چون امینش قرار دهند خیانت کند و چون سخن راند و خبر دهد دروغ گوید و چون وعده نماید خلف کند. (تهرانی، ۱۳۶۱)

حضرت علی (ع) در کلمات قصارش می‌فرماید: "از دوستی با دروغ‌گو بپرهیز که او همچون سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می‌سازد". (محمدی اشتهاردی، ۱۴۱۳ ق). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک و عاق والدین و قول باطل یعنی دروغ است. نیز امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: تمام بدی‌ها در حجره ایست مقفل که کلید گشودن آن دروغ است. (دستغیب شیرازی، ۱۳۶۹). پیامبر اکرم می‌فرماید: ملائکه از بوی گند دروغ فرار می‌کنند و دروغ‌گو رایش در مقام مشورت پسندیده نیست. همچنین می‌فرماید: دروغ از ایمان دور است و دروغ از بزرگ‌ترین گناهان است و دروغ صاحبش را هلاک می‌کند (همان). وصیت امیر مؤمنان به فرزندش محمد حنفیه آمده است که: "پسرم! آنچه نمی‌دانی را نگو، بلکه آنچه را که می‌دانی هم نگو؛ زیرا خداوند بر اعضای بدن تو فریض را واجب فرموده است که در روز قیامت بر تو حجت می‌آورد و تو را در مورد آن‌ها بازخواست می‌کند و آن‌ها را اندرز داده، بر حذر داشته، تأدیب کرده و رها نکرده است." (حر عاملی، ۱۳۸۸)

تا دهان بسته نشود دل باز نمی‌گردد. از سید کائنات (ص) روایت است که: "چون فرزندان و نبیره‌های آدم زیاد شدند در نزد وی بسیار سخن می‌گفتند و وی ساکت بود، گفتند: ای پدر! چه شد شمارا که سخن نمی‌گویی؟ گفت: ای فرزندان من! چون خدا جل جلاله مرا از جوارش به بیرون فرستاد با من عهد کرد و گفت گفتارت را کم کن تا به جوار من برگردی." (عزیزی، ۱۳۸۱)

۵- جایگاه دینی دروغ و شایعه‌پراکنی

بسیاری از دستورات دین اسلام جنبه اجتماعی دارد، حتی قوانین و مقررات موضوعه نیز مبتنی بر شرع مقدس اسلامی است و صبغه اجتماعی آن بیشتر است، از این رو تمام سعی و تلاش ما باید در راستای تحکیم روابط اجتماعی در سایه‌ی ارزش‌های اسلامی باشد. مواردی از قبیل: خیانت به دیگران، ایجاد تفرقه، بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی، غافل شدن از وضعیت اجتماعی سایر هم‌نوعان و...، به‌عنوان مصادیق منکر هستند. (قرارگاه مرکزی سیدالشهدا (ع) نمسا، ۱۳۸۱) دروغ‌گویی از گناهان کبیره و حرام است، شایعه‌پراکنی نیز که از مصادیق دروغ است این حکم را دارد.

پیامبر اکرم مشاهدات خود را در معراج این‌گونه بیان می‌کنند: دیدم مردی را که بر پشت خوابانیده و دیگری بر سرش ایستاده و در دستش مانند عصایی از آهن که سرش کج باشد بود، پس بر یک‌طرفش می‌آمد و با آنچه در دستش بود بر رویش می‌زد، از طرف دهان تا قفایش را قطعه‌قطعه می‌کرد و همچنین به بینی و چشمش می‌زد تا قفای آن، آنگاه به طرف دیگر می‌آمد و همین کار را تکرار می‌کرد و هنوز از این طرف فارق نشده، طرف دیگر به حال اول برمی‌گشت و با او همان کار اول را می‌کرد. پرسیدم علت عذاب این شخص چیست؟ به من گفتند: این مردی است که صبح که از خانه‌اش بیرون می‌رود دروغی می‌گوید که زبانش به آفاق می‌رسد و تا روز قیامت با او چنین عذابی می‌کنند. (دستغیب، بی‌تا)

پیامبر اکرم (ص) در توصیه خود به ابوذر غفاری می‌فرماید: ای ابوذر، برای دروغ‌گو بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود بازگو نماید؛ یعنی حتی درجایی که شنیده‌های او عین واقع باشد؛ اما او بدون تحقیق و بررسی به بازگویی آن‌ها پردازد؛ دروغ‌گو به حساب می‌آید. چه رسد به اینکه از آنچه شنیده است بکاهد، یا بر آن بیفزاید. با توجه به این سخن پیامبر (ص) می‌توان شایعه‌پراکنی را از مصادیق دروغ دانست حتی اگر انسان انگیزه ناپسندی از نقل شایعه نداشته باشد، باید نگاه کند که آیا نقل آن فایده‌ای هم دارد یا نه افزون بر این، باید بیندیشد که آن شایعه، اساسی دارد یا نه پس باید پیش از نقل هر خبری در درستی آن تحقیق کنیم و پس از اطمینان به درستی آن را نقل کنیم. (یزدی جلد ۲، ۱۳۸۰) ("دروغ را کسانی می‌سازند که ایمان ندارند" (نحل/۱۰۵) اگر کسی کلامش لغو و بیهوده و سخنش باطل و بی‌معنی است و بقول مردمان چیزی جز حرف مفت ندارد، روشن می‌کند که باطنش آلوده و درونش خبیث و قلبش قسی و دلش بی‌ربط به حضرت حق و نفسش آلوده به رذایل و روحش مسخر شیطان رجیم است. (انصاریان، ۱۳۶۷)

۶- مصادیق امروزی

چیزی که ما در این روزها بیشتر شاهد آن هستیم شایعه‌پراکنی و دروغ‌هایی است که به مسئولین و سران کشور رواج دارد که با این کار اگر اعتماد مردم به مسئولین از دست برود، کشور به آشوب کشیده می‌شود و زندگی در این جامعه که بدون اعتماد و بدون نظر مثبت به مسئولان باشد غیرممکن می‌نماید زیرا آن‌ها اداره کشور را بر عهده‌دارند در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرماید: شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست، انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور تهمت می‌زند و نسبت به این‌ها شایعه‌سازی می‌کنند، مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به دست این‌ها سپرده شده، مردم باید به این‌ها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند؛ دشمن می‌خواهد شایعه‌پراکنی کند و دل‌ها را نسبت به یکدیگر؛ نسبت به مسئولین بدبین کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: "همین که مؤمن برادر (دینی) خود را تهمت زند ایمان از دلش زدوده می‌شود، چون نمک در آب. و همچنین می‌فرماید: هر کس برادر دینی خود را تهمت زند، احترامی میان آن دو بجا نمی‌ماند. (پیشوائی، ۱۳۶۱) از راه‌های دیگری که دشمن امروز سعی می‌کند در میان مردم ما نفوذ پیدا کند، شایعه‌پراکنی است. از زمان پیروزی انقلاب تا امروز، هر جا توانستند شایعه‌پراکنی کردند، هدفشان این است که دل مردم را بلرزانند و امید آن‌ها را از بین ببرند. یک ملت با امید می‌تواند پیش برود. (معاونت فرهنگی، ۱۳۸۷) اولویت نظام استکبار، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم، یعنی جنگ به‌وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله‌ی نفوذ، به‌وسیله‌ی دروغ، به‌وسیله‌ی شایعه‌پراکنی، با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود. امروز گسترش پیدا کرده، جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل و ذهن‌های مردم. یکی از ابزارها این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند و اختلاف ایجاد کنند. همان‌طور که می‌بینیم شایعه‌پراکنی و دروغ یکی از ابزارهای قوی مستکبران برای از بین بردن وحدت و آرامش و ایجاد اختلاف است تا در سایه آن به منافع نامشروع خود دست یابند (مصطفوی همکاران، ۱۳۸۸).

نقش رسانه در شایعه‌پراکنی و آثار مخرب آن در جهان امروز شایعه یکی از موارد وقوع بحران‌های رسانه‌ای است که با قدرت تأثیر بر افکار عمومی شکل می‌گیرد. بر این اساس ارائه تعریف علمی از بحران رسانه‌ای در عصر حاضر ضروری به نظر می‌رسد. در واقع بحران رسانه‌ای (شایعه) در قرن حاضر در کنار بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حائز اهمیت است. (عیوضی، ۱۳۸۸)

امروزه بخشی از محتوای اساسی رسانه‌های جهان به‌گونه‌ای است که توجه آن‌ها به شایعه و جنگ روانی "برخورد" سوق یافته است، در واقع شایعه در رسانه‌ها یکی از ابزارها و کارکردهای مهم مسئله "برخورد" از مسائل هفت‌گانه ارزش‌خبری در رسانه تلقی می‌گردد. وجود کارکرد شایعه یکی از دلایل آشکار اثبات ادعای مهم بودن نقش رسانه‌ها در اعلان جنگ را می‌تواند بیان کرد. وجود بحران شایعه در رسانه در مواردی چند باعث انحراف اذهان عمومی می‌شود:

- ۱- پرداختن به بحران شایعه و جنگ روانی در بین افکار عمومی منجر به خشونت و قطب‌گرایی و اقدامات غیرمنطقی بدون توجه به دلیل ستیزه‌های حل‌نشده خواهد شد.
- ۲- وجود شایعه در رسانه، در به وجود آوردن دوگانگی در اذهان افکار عمومی بسیار مؤثر است.
- ۳- وجود شایعه بر این امر منجر شده که نوعی مانع‌گرایی در بین افکار عمومی ایجاد شود که طرفی را خوب معرفی کند و طرف دیگر را بد معرفی نماید.
- ۴- وجود شایعه از طریق رسانه در اذهان افکار عمومی نوعی جنگ اجتناب‌ناپذیر را بدون راه‌حل‌های دیگر به وجود می‌آورد.
- ۵- وجود شایعه از طریق رسانه نوعی ابهام را در تنویر افکار عمومی ایجاد می‌کند که این مسئله در بروز زمینه‌های جنگ رسانه‌ای بسیار مؤثر است.
- ۶- در واقع شایعه از طریق رسانه نوعی اعلان جنگ روانی است که افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این تأثیر باعث شکل‌گیری ضرر و زیان به مخاطبان مورد اثرگذار می‌شود، در نتیجه مخاطبان داغ‌دیده حقوقشان بعد از خاتمه شایعه، نادیده گرفته می‌شود و رسانه مذکور هیچ‌گونه توضیحی درباره اقدامات کاهش این ضرر و زیان بعد از خاتمه جنگ روانی ارائه نخواهد داد و همچنین رسانه‌های درگیر در زمان اجرای جنگ هیچ اقدام مثبتی برای خاموش کردن جنگ روانی نمی‌کنند.
- ۷- در واقع رسانه‌ها هیچ‌گونه توضیحی درباره دلایل شدت یافتن شایعات و جنگ روانی به افکار عمومی ارائه نمی‌دهند. (سلطانی فر، ۱۳۸۴)

رسانه‌ها در شکل‌گیری و تغییر نگرش جنگ روانی، تبلیغات، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی در بین اذهان عمومی تأثیر بسیاری دارند و رسانه‌ها نقش مؤثری در شستشوی افکار عمومی می‌توانند ایفاء کنند. در واقع در اواخر قرن بیستم رسانه‌ها با توجه به نقش مؤثری که در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی جوامع ایفاء کرده‌اند در تلاش بودند که ارتباطات اثربخشی بر روی شهروندان ایفاء نمایند که بخشی از این ارتباطات اثربخش از طریق ایجاد شایعه‌سازی و رواج شایعه‌پراکنی در بین شهروندان یک جامعه بوده است، بر این اساس رسانه‌های جوامع مستقیماً در برابر جنگ و قدرت نرم قرار می‌گیرند که از سوی امپریالیسم خبری در حال توسعه و رشد است. بر اساس چنین پیامد رسانه‌ای، امپراتوری رسانه‌ای از طریق مدیریت بحران و بحران‌سازی به هدایت افکار عمومی می‌پردازد که به نوعی مهندسی افکار عمومی در قالب ابزارها و فنون مختلف از جمله شایعه در دو قرن اخیر تا به امروز رובה رشد است. از دیدگاه چاکوتین «برای تأثیر بر افکار عمومی باید از طریق رسانه و ارتباطات فراگیر یک یا چند محرکه، از جمله شایعه‌گریزه اساسی انسان را به شدت تحریک و به سوی هدف‌های خاص و تسلط بر افکار عمومی هدایت می‌کند.» (کارنو، ۱۳۶۴) افراد جامعه هنگامی سراغ شایعات می‌روند و بازار شایعات نیز در شرایطی در یک جامعه داغ می‌شود که اخبار و اطلاعات موردنیاز از منابع موثق به گوش شهروندان نمی‌رسد. منابع اصلی همان رسانه‌های ارتباط‌جمعی است که مهم‌ترین و مورد اعتمادترین منابع خبری برای ارتباط و اطلاع‌رسانی مسئولان به مردم می‌تواند باشد.

۷- عوامل شیوع شایعه

- زمینه شیوع شایعه می‌توان عوامل زیر باشد:
- الف) اهمیت خبر، موضوع و محتوای شایعه برای گوینده و شنونده.
 - ب) ابهام در جامعه.
 - ج) نگرانی و اضطراب‌های شخصی و اجتماعی.
 - د) استعداد پذیری که همیشه رونق بازار شایعات را می‌توان در میان افراد و جمع‌های ساده‌اندیش و زودباور مشاهده کرد. (افروز، ۱۳۷۶)

۸-بستر شایعه

شایعه معمولاً در زمینه‌ای از ابهام و تنش که تحت آن هنجارها یا باورها زیر سؤال رود خطرانی وجود داشته باشد یا رفاه کافی در دسترس مردم نباشد، گسترش می‌یابد. همه این وضعیت‌ها باعث نگرانی و توجه می‌شود. این احساسات انگیزه لازم برای گوش دادن به شایعه و انتقال آن به دیگران را فراهم می‌آورد. شایعه بیش از هر چیز از اهمیت و ابهام در موضوع تغذیه می‌شود. این دو عامل بیانگر کنش متقابل زمینه‌های فردی و جمعی در شکل‌گیری و رواج شایعه است. در انتقال شایعه سه عمل ادراک، به حافظه سپردن و گزارش کردن از فردی به فرد دیگر طی می‌شود. این مراحل در روند رواج شایعه از یک فرد به فرد دیگر متناسب با دفعات انتقال، تقویت می‌شود و به‌طور طبیعی به کاستی‌ها و افزودنی‌هایی بر اصل مطلب منتهی می‌گردد. بدین ترتیب شایعه از مراحل اولیه شکل‌گیری تا تبدیل آن به گزارش نسبتاً ثابت، با سه روند اصلی زیر ارتباط دارد: الف) تسطیح یعنی حذف برخی جزئیات که به نظر ناقلان شایعه، غیر مهم و کم‌اهمیت تلقی می‌شود. به‌بیان دیگر هر قدر شایعه بیشتر نشر یابد رفته‌رفته کوتاه‌تر و فشرده‌تر و مختصرتر می‌گردد.

ب) برجستگی بدین معنا که برخی جزئیات در طی جریان انتقال شایعه پایداری قابل‌ملاحظه دارد.

ج) همانندسازی بدین معنا که ناقلان شایعه بر اساس منافع خویش موضوع شایعه را مفهوم و متناسب می‌کنند. (فتحعلی خانی، ۱، آبان ۸۷)

۹-یهود نمونه بارز دروغ و شایعه‌پراکنی

دروغ‌گویی، پذیرش دروغ و دروغ‌پراکنی، یکی از صفات بداخلاقی یهودیان بود. آنان حتی در مواردی که می‌دانستند موضوع دروغ است و به آن آگاه بودند، بازهم آن دروغ را رواج می‌دادند. برخی از مردم نیز از روی جهل سخنان آنان را می‌پذیرفتند. مثلاً ادعا می‌کردند که "ما تنها چند روزی به عذاب جهنم گرفتار می‌شویم." یا خود را از فرزندان یا دوستان خدا می‌پنداشتند (سوره آل عمران/۲۴-سوره مائده/ ۱۸-سوره جمعه/ ۶-سوره نسا/۵۰). آن‌ها حتی نسبت به خداوند هم دروغ‌پراکنی می‌کردند. باینکه با خدا پیمان بسته بودند دروغ نگویند، سخنان خدا را در تورات تحریف و واژگون کردند و در این مورد نیز به عهد و پیمان خود وفادار نماندند (صفحات، ۱۳۸۷)

جای تأمل است که چگونه قومی که خداوند آنان را قوم برتر خطاب می‌کند به این جایگاه اسفبار سقوط می‌کنند، اگر ما بتوانیم در احوال آن‌ها تأمل داشته باشیم و صفات و کارهای آن‌ها را بنگریم به‌راحتی دلایل آوارگی و تفرقه آن‌ها را می‌یابیم همان‌طور که اشاره شد یکی از خصوصیات این قوم دروغ و شایعه‌پراکنی است پس آیا شایسته نیست ما با دور کردن این صفات از خود به سرنوشت آن‌ها دچار نشویم؟

۱۰-آثار سوء دروغ و شایعه‌پراکنی

اگر (منافقین) خبری (شایعه‌ای) درباره امنیت (و پیروزی مسلمانان) و یا بیم و هراس به گوش آن‌ها برسد (بدون اینکه راست یا دروغ بودن آن را تحقیق کنند) آن را فاش می‌کنند و جامعه را متزلزل و افکار عمومی را نگران و ایجاد تفرقه و اضطراب در جامعه کنند (سوره نساء/۸۳). (محمودیان، ۱۳۸۶)

با توجه به این آیه می‌توان دریافت که دروغ و شایعه‌پراکنی چه مضراتی دارد اگر شایعه را بدون تحقیق و آگاهی و نیز بدون بصیرت در جامعه هر چیزی را از هرکسی بپذیریم و بدون توجه ما نیز این خبرها را منتشر سازیم مقصریم، همان‌طور که در این آیه شریف بیان شده باعث تزلزل جامعه و ایجاد نگرانی و اضطراب و تفرقه می‌شود و این شرایط باعث ناامیدی می‌شود که افراد انگیزه‌ای برای بهتر شدن فردا نخواهند داشت. خداوند در وصف منافقان می‌فرماید: و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند؛ درحالی‌که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید و گمراه می‌شدید. (سوره نساء/۸۳) درس اول این آیه انتقاد از روش مسلمان‌هاست، یعنی مسلمان‌ها

بد مسلمان‌هایی هستند که خبری را قبل از تحقیق و بررسی بین مردم پخش می‌کنند. (سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ ۲۱/۵/۱۳۶۱) منافقان با شیوه‌ی شایعه‌پراکنی در ایجاد اضطراب و تضعیف روحیه مردم تلاش می‌کنند تا اعتماد مردم نسبت به مسئولان حکومت را سلب کنند و باعث فاصله بین آن‌ها گردند. آن‌ها با بزرگ‌نمایی دشمن و تحقیر قوای خودی و مسلمانان و با انتشار بی‌موقع اخبار پیروزی و یا شکست مؤمنان را مغرور و یا دچار رعب و وحشت می‌کنند. در این میان بر مؤمنان لازم است هر خبری را از هر کس نپذیرند، بلکه با استعلام از فرد مورداطمینان، از صدق و کذب آن آگاهی حاصل کنند. شایعه‌سازی و نشر شایعات از بلاهای بزرگی که دامن‌گیر جوامع مختلف می‌شود و روح اجتماعی و تفاهم و همکاری را در میان آن‌ها می‌کشد، مسئله شایعه‌سازی و نشر شایعات است، به‌طوری‌که گاه یک نفر منافق مطلب نادرستی جعل می‌کند و آن را به چند نفر نسبت می‌دهد و افرادی بدون تحقیق در نشر آن می‌کوشند و شاید شاخ و برگ‌هایی هم از خودشان به آن می‌افزایند و بر اثر آن مقدار قابل‌توجهی از نیرو و فکر و وقت مردم را مشغول ساخته و اضطراب و نگرانی در مردم ایجاد می‌کنند، بسیار می‌شود که شایعات اعتماد عمومی را متزلزل می‌سازد و افراد جامعه را در انجام کارهای لازم سست و مردد می‌نماید. برای اجتماعات سالم نشر شایعات زیان‌های فراوانی به بار می‌آورد و اگر این شایعات پیرامون افراد لایق و مثبت و مفید باشد، آن‌ها را در خدمات خود دلسرد می‌نماید و گاهی حیثیت چندین ساله آن‌ها را بر باد می‌دهد و مردم را از فواید وجود آنان محروم می‌سازد. به همین دلیل اسلام صریحاً هم با شایعه‌سازی مبارزه کرده و جعل و دروغ و تهمت را ممنوع می‌شمارد و هم با نشر شایعات. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶ ق) مردمی که در بین خود دچار حسد، بدخواهی یکدیگر، حيله‌گری و کینه‌ورزی و... با یکدیگر باشند در این جامعه حتی اگر قانون به‌طور دقیق عمل شود سعادت در این جامعه نیست و اگر عکس این قضیه برقرار باشد و فضایل اخلاقی بر آن حاکم باشد و... حتی اگر از لحاظ مالی هم پیشرفت چندانی نداشته باشد، مردم در آن احساس آرامش و آسایش و سعادت می‌کنند (شیرازی، ۱۳۸۵)

شایعه‌پراکنی باعث ایجاد اختلاف و ناامنی حیثیتی به دنبال دارد و باعث مه‌آلودی واقعیت‌ها و گم‌شدن و طرد شدن افراد از جوامع می‌شود و حتی به گمراهی افراد منجر شده اراده‌ها را سست می‌گرداند و حتی در رکود اقتصادی مؤثر است. شایعه در ایجاد موارد زیر نقش دارد:

- بدبینی نسبت به نظام و مسئولان یک جامعه
- افزایش اضطراب و نگرانی در مردم
- ترور شخصیت
- ایجاد فضای ناسالم اجتماعی
- ایجاد تقابل و صف‌بندی میان قشرهای مختلف مردم
- ایجاد وجهت اجتماعی (فتحعلی‌خانی، ۱ آبان ۱۳۸۷)

دروغ موجب گمراهی افراد است، دروغ‌گو هم به خود خیانت می‌کند و هم به دیگران، در درون با خود در ستیز است تا آنچه در دل دارد وارونه جلوه دهد. با همه‌ی واقعیت‌های جهان در ستیز است تا آنچه را هست وارونه جلوه دهد و جور دیگر بنمایاند. (حسابدار، ۱۳۷۵) دروغ از آفات زبان و خراب‌کننده ایمان است. دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم و در میان مردم بی‌اعتبار می‌کند. دروغ اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می‌سازد و جالب‌ترین نکته که در اخبار آمده آن است که: علت اصلی دروغ، عقده حقارت و خودکم‌بینی انسان دروغ‌گو است و این یکی از نکات روانی است که به‌عنوان روان‌شناسی اخلاقی در کلمات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده است. (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۸) اگر توده مردم جاهل و بی‌خبر باشند منافقان از سنگر خود اسلام استفاده می‌کنند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: "من از هجوم فقر و تنگدستی بر امت خود بیمناک نیستم، آنچه از آن بر امت خود بیمناکم کج‌اندیشی است. آنچه فقر فکری بر امتم وارد می‌کند، فقر اقتصادی وارد نمی‌کند. (احمدی، ۱۳۸۵)

۱۱- درمان دروغ و شایعه پراکنی

۱- برای ریشه کن کردن این صفت رذیله (دروغ‌گویی) از همان طریقی باید وارد شد که در طریق درمان سایر رذایل اخلاقی وارد می‌شویم؛ یعنی نخست به سراغ ریشه‌ها برویم، چراکه تا ریشه‌ها قطع نشود، این نهال شوم همچنان پابرجاست. اگر انگیزه دروغ‌گویی ضعف ایمان نسبت به توحید افعالی است، باید پایه‌های ایمان را تقویت کرد، خدا را قادر بر همه چیز دانست، رزق و روزی و موفقیت و عزت و آبرو را به دست او بدانیم تا ضعف‌هایی که سبب توسل به دروغ می‌شود برطرف گردد. و اگر انگیزه آن حسد و بخل و کبر و غرور است باید به درمان آن‌ها پرداخت و به یقین اگر این ریشه‌ها تدریجاً قطع شود، چیزی جز صداقت و راستی باقی نخواهد ماند.

۲- از سوی دیگر باید روی پیامدهای سوء زیان‌بار دروغ که سبب تیره‌روزی و بدبختی و رسوایی در دنیا و آخرت می‌شود اندیشید و به یقین هر کس در این‌ها که به‌طور مشروح سابقاً بیان کردیم، به‌ویژه در روایات پرمحتوایی که در این زمینه وارد شده درست بیندیشد تأثیر مهم بازدارنده‌ای دارد. و اگر اشخاصی که مبتلابه این رذیله اخلاقی هستند از دوستان ناباب و دروغ‌گو و محیط‌هایی که آن‌ها را به دروغ تشویق می‌کند بپرهیزند سریع‌تر درمان می‌شوند، همان‌گونه که پرهیز از افراد آلوده به بیماری‌های جسمی و محیط‌های آلوده به میکروب بیماری‌ها سبب سرعت بهبود این بیماری خواهد شد. رهبران جامعه و بزرگ خانواده نیز نقش مؤثری می‌تواند در عادت دادن مردم به راست‌گویی داشته باشند چرا که وقتی افراد یک جامعه یا اعضاء خانواده چیزی جز صدق و راستی از بزرگ‌ترها نبینند به سرعت به صدق و راستی روی می‌آورند و به‌عکس، یک دروغ که از آنان صادر شود زمینه‌های آلودگی جامعه یا خانواده را به این صفت رذیله فراهم می‌سازد.

۳- ایجاد شخصیت در افراد، یکی دیگر از مؤثرترین طرق درمان دروغ است زیرا همان‌گونه که در گذشته اشاره کردیم یکی از عوامل مهم دروغ‌گویی احساس حقارت و کمبود شخصیت است و دروغ‌گو می‌خواهد با لاف زدن آن را جبران کند و اگر احساس کند صاحب استعدادها و نیروهایی است که با پرورش آن می‌تواند به مقامات عالی در جامعه برسد نیازی به توسل جستن به دروغ برای ایجاد شخصیت کاذب در خود نمی‌بیند. به‌ویژه اگر به آن‌ها توجه داده شود که راست‌گویان و صدیقان در پیشگاه خدا در صف انبیاء و شهیدان هستند و رفیق و هم‌نشین آنان در قیامت خواهند بود به یقین برای ترک دروغ و اقبال به راست‌گویی تشویق خواهند شد، (مکارم شیرازی، جلد ۳، بی تا)

در کتاب اخلاق عملی اسلام نیز آمده است، راه معالجه دروغ این است که نخست در آیات و روایات که در ذم آن وارد شده است بیندیشد تا بداند اگر آن را ترک نکند، هلاک ابدی گریبان گیرش خواهد شد پس به یاد داشته باشد که هر دروغ‌گویی از نظرها می‌افتد و کسی به سخن او اعتنا نمی‌کند و چه بسیار که دروغ گفتن باعث رسوایی نزد مردم شود. و از اسباب افتضاح او این است که خدای سبحان فراموشی را بر او مسلط می‌کند که اگر چیزی بگوید گفته‌ی خود را فراموش می‌کند و خلاف گفتار خود می‌گوید و رسوا می‌شود. و سخن امام صادق به این معنی اشاره دارد که می‌فرماید: "از چیزهایی که خداوند بردروغ‌گویان گماشته است نسیان است."

پس از آن در آیات و اخباری که ضد آن (راست‌گویی) وارد شده تأمل کند، و در هر سخنی که می‌خواهد بگوید نخست بیندیشد، سپس اگر دروغ باشد ترک کند و از هم‌نشینی دروغ‌گویان اجتناب نماید، و با صالحان و راست‌گویان هم‌نشین شود. (مجتبوی، ۱۳۹۰)

۱۲- خلاصه و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفتیم دروغ و شایعه‌پراکنی از آفات زبان هستند که مبتلا شدن به آن‌ها گاهی به خاطر سهل‌انگاری و بی‌معرفتی خود افراد است. عثمان بن عیسی گوید: در حضور ابوالحسن امام کاظم (ع) یا امام رضا (ع) بودم که آن حضرت به مردی گفت: زبانت را نگه‌دار تا عزیز باشی و مهار خود را به دست مردم نده که خود را خوار و زبون خواهی ساخت. (کلینی رازی، ج ۴، ۱۳۹۰) سخنان بی‌فایده گفتن و تکلم کردن به چیزی که نه در کار دنیا آید و نه در کار آخرت اگرچه حرام نباشد ولی بسیار مذموم است. غالب آن است که چون در سخنان بی‌فایده گشوده شود، کلام می‌کشد به حکایت معاصی، دروغ، غیبت و امثال

این‌ها. و از این‌جهت مذمت بسیاری بر آن وارد شده است. (نراقی، ۱۳۹۰) علامه مجلسی در کافی می‌فرماید: سخن زیاد در کارهای مباح موجب قساوت و سختی قلب می‌شود، اما سخن گفتن در کارهای باطل و خلاف حتی اگر اندک باشد، قلب را دچار قساوت می‌کند. (محمودیان، ۱۳۸۶) برای دور کردن این صفات از خود باید به عاقبت و جایگاه آن‌ها در متون اسلامی آگاهی پیدا کرده و عاقبت‌اندیشی داشته باشیم زیرا این گناهان باعث حقارت فرد شده ارزش او را از بین می‌برد و اعتماد مردم نسبت به او از دست می‌رود چنان‌که معلم شهیدمی نویسد: شخصی آمد خدمت رسول اکرم (ص) و عرض کرد: یا رسول‌الله! به من نصیحت و موعظه‌ای بفرمایید. نوشته‌اند که ایشان سه بار این جمله را تکرار کردند، فرمودند: آیا اگر من بگویم توبه‌کار می‌بندی؟ گفت: بله بعد فرمودند: "هرگاه می‌خواهی کاری را انجام دهی، اول درباره عاقبت آن تدبیر کن بعد تصمیم بگیر." امام علی (ع) در خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: فتنه وقتی که پدید می‌آید حکم غبارهایی را دارد که در فضا پیدا می‌شود، دروغ‌ها پیدا می‌شود، شایعات پیدا می‌شود و... (مطهری، ۱۳۹۰) مبتلا شدن به این آفات اثری جبران‌ناپذیر دارد اگر فرد پیشیمان شود هم نمی‌تواند به‌طور کامل خسارت آن را جبران کند با توجه به این سخنان معلوم می‌شود که تشخیص درستی یا نادرستی مطلبی در چنین فضایی کاری دشوار است پس ما باید به سطحی از آگاهی و بصیرت دست‌یابیم که علاوه بر جلوگیری از این چنین فضایی که بستر این رذایل اخلاقی است و باعث تفرقه می‌شود از فریب خوردن نجات یابیم. اگر ما آثار سوء آن‌ها را بررسی کنیم و با عنایت خداوند متعال و شناخت از خود به‌عنوان انسان دارای کرامت و خلیفه‌الله از سقوط در وادی گمراهی نجات یابیم.

منابع

*قرآن کریم

*نهج‌البلاغه، استاد حسین انصاریان

۱. احمدی، حسین. (۱۳۸۵). شرح مطهر بر احادیث نبوی، انتشارات یاقوت، چاپ دوم.
۲. اسداللهی فرد، علی‌رضا. (۱۳۸۱). سفر به عالم برزخ، انتشارات صبح پیروزی، چاپ چهارم.
۳. افروز، غلامعلی. (۱۳۷۶). روانشناسی شایعه و روش‌های مقابله، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۴. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۸). چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
۵. انصاریان، حسین. (۱۳۶۷). عرفان اسلامی جلد ۱۰، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول.
۶. بیانات مقام معظم انقلاب. (۱۳۸۷). امانت‌داران عاشورا، نشر موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ ششم.
۷. پورت، کران آل و لئوپستمن. (۱۳۷۴). روانشناسی شایعه، مترجم ساعد دبستانی، تهران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی، چاپ دوم.
۸. پیشوائی، ابراهیم. (۱۳۶۱). واژه‌های اخلاقی از اصول کافی، انتشارات یاسر.
۹. تهرانی، جواد. (۱۳۶۱). آیین زندگی و درس‌هایی از اخلاق، نشر موسسه در راه حق، چاپ پنجم.
۱۰. حر عاملی، حسن. (۱۳۸۸). جهاد با نفس، ترجمه‌ی محمدحسین محمودی گلپایگانی، تهران انتشارات لاهوت.
۱۱. حسابدار، محمد. (۱۳۷۵). مفاتیح السعاده "مسیر رستگاری"، انتشارات توشه، چاپ دوم.
۱۲. دستغیب، سید عبدالحسین. (۱۳۶۹). گناهان کبیره، تنظیم و تصحیح سید محمد هاشم دستغیب، انتشارات ناس، چاپ اول.

۱۳. دستغیب، سید عبدالحسین. (بی تا). گناهان کبیره جلد ۱، تنظیم و تصحیح سید محمد هاشم دستغیب، انتشارات کانون تربیت شیراز.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۵). لغت نامه جلد ۳۰، انتشارات موسسه لغت نامه دهخدا.
۱۵. سبحانی نسب، علیرضا. (۱۳۸۵). مدرسه محمدی، نشر جمال، چاپ هشتم.
۱۶. سلطانی فر، محمد. (۱۳۸۴). رسانه ها، بحران های نوین و جنگ های پست مدرن، ماهنامه سنجش و پژوهش ۱۲، شماره ۴۲ و ۴۳، تهران.
۱۷. شیرازی، علی. (۱۳۸۵). پیامبر اعظم الگوی تربیتی جوانان نشر خادم الرضا و بسیج دانش آموزی نسا، چاپ دوم.
۱۸. صفاتاج، مجید. (۱۳۸۷). فلسطین از اشغال تا انتفاضه، انتشارات مدرسه چاپ سوم.
۱۹. صلاح، نصر. (۱۳۸۰). جنگ روانی (کلامی)، ترجمه ی محمود حقیقت کاشانی، تهران، سروش (انتشارات صداوسیما).
۲۰. طبرسی، علی. (۱۳۶۰). مشکاة الانوار، ترجمه ی سید عبدالحسین رضایی نیشابوری، انتشارات طوس، چاپ اول.
۲۱. عزیزی، عباس. (۱۳۸۱). سیمای اخلاق در آثار علامه حسن زاده آملی، انتشارات صلاه، چاپ دوم.
۲۲. عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۸). مدیریت رسانه های و مهندسی افکار عمومی، مجله علمی - پژوهشی.
۲۳. فتحعلی خانی، مصطفی، روزنامه رسالت ۱ آبان ۸۷.
۲۴. قرارگاه مرکزی سیدالشهدا (ع) نسا. (۱۳۸۱). امریبه معروف و نهی از منکر، نشر مرکز فناوری و پشتیبانی آموزش، چاپ اول.
۲۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۲). تفسیر سوره لقمان، انتشارات درس هایی از قرآن، چاپ سوم.
۲۶. کازنو، ژان. (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
۲۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۰). اصول کافی ج ۴، ترجمه ی حسین استاد ولی انتشارات دارالثقلین، چاپ اول.
۲۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۰). اصول کافی جلد ۵، ترجمه ی حسین استاد ولی انتشارات دارالثقلین، چاپ اول.
۲۹. مجتبیوی، سید جلال الدین. (۱۳۷۲). گزیده علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات، ملی مهدی نراقی) انتشارات حکمت.
۳۰. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۸). بحار الانوار جلد ۱۶، ترجمه ی محمدباقر کمره ای، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم.
۳۱. محسنی، طاهره. (۱۳۸۸). متقین کهف حصین، انتشارات مهرآه عصر، چاپ سوم.
۳۲. محمدی اشتهاردی، محمد. (۱۴۱۳ ق). داستان های اصول کافی جلد ۲، نشر دفتر نشر معارف اسلامی، چاپ اول.
۳۳. محمودیان، مهدی. (۱۳۸۶). آموزش مفاهیم قرآن کریم، نشر فرهنگ اندیشه.
۳۴. محمودیان، مهدی. (۱۳۸۶). ترجمه و مفاهیم نهج البلاغه، نشر فرهنگ اندیشه.
۳۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۷). برگزیده فرهنگ قرآن، قم انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۶. مصباح یزدی. (۱۳۸۰). ره توشه، نگارش کریم سبحانی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.

۳۷. مصطفوی، رضا؛ ابراهیم زاده، حسن. (۱۳۸۸). قبله از این طرف است (ضمیمه ماهنامه امتداد)، مرکز ارتباطات فرهنگی عماد، اسفند.
۳۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). انسان در قرآن، نشر صدرا، چاپ سی و پنجم.
۳۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم.
۴۰. معاونت فرهنگی. (۱۳۸۷). بیانات مقام معظم رهبری، پرتو ولایت دفتر ۵۱، انتشارات اداره فرهنگ سازمانی.
۴۱. معلوف، لویس. (۱۳۸۰). المنجد فی اللغة، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶ ق). تفسیر نمونه، جلد ۴، قم انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و چهارم.
۴۴. نراقی، ملا احمد. (۱۳۹۰). معراج السعاده، انتشارات هاتف، چاپ سوم.